

از مسائل مهم بسیاری از خانواده‌ها در امر تربیت و تحصیل فرزندان شان مساله عقب ماندگی تحصیلی آنهاست. چه بسیارند فرزندانی که در معرض ملامت‌ها، تنبیها و طرد ورد والدین و مربیان خویشند.

بررسیهای علمی نشان میدهند که برخی از کودکان در عقب ماندگی خود محققند و عیب و نقصی در خود دارند که موجبات این امر را در آنان فراهم میسازد و برعکس کودکانی دیگر وجود دارند که عقب ماندگی درسی شان ناشی از علل و عوامل بیرون از وجود آنهاست و مادام که آنها از میان نروند امکان درمان و نجات شان نخواهد بود.

ما در این بحث سعی داریم ریشه‌ها و علل عقب ماندگی درسی کودکان را مورد بررسی قرار داده و راههای درمان و پیشگیری آن را در اختیار والدین و مربیان محترم قرار دهیم. در خاتمه بحث هشدارها و تذکراتی هم در این زمینه به والدین محترم خواهیم داشت.

#### مساله تفاوتها:

قبل از ورود در بحث لازم میدانم به مساله تفاوتها اشاره‌ای شود. والدین و مربیان محترم نیک میدانند که انسانها از نظر ذخایر هوشی و استعدادی یکسان به دنیا نمی‌آیند. شرایط و عوامل متفاوت در ازدواج، شرایط حیات رحم نوع کار و تغذیه و بیماری و اعتیاد و دهها عاملی از این قبیل که همه آنها مبتنی بر روابط علت و معلولی هستند در جنین اثر گذارده و سبب

# عقب ماندگی درسی کودکان

شتم خویش او را می‌آزارند. گویا غافلند که خداوند شاهد و ناظر آنهاست .  
 کودک مظلوم است و قادر به دفاع از خود نیست  
 آزدن بیحسابش عقوبت الهی را در پی دارد .  
 بیش از آنکه او را بی‌آزاریم ضروری است به علت و  
 علل عقب ماندگی درسی او توجه کرده و با  
 شیوه‌های درمانی خاص خود آنها را به راه آوریم  
 در همه حال فراموش نکنیم که راه و شیوه درمان  
 بر روی والدین و مربیان بسته نشده است . باید  
 طریقی را در پیش گیرند که حاصل آن هدایت  
 و سعادت کودکان باشد و اگر هم در تحصیل  
 موفقیتی حاصل نشد در زمینه‌های دیگر برای  
 او اقدام کنیم .

#### دوگونه عقب ماندگی :

ضمناً " ضروری است از دوگونه عقب ماندگی  
 درسی برای کودکان یاد کنیم : یکی عقب ماندگی  
 درسی که ناشی از ضعف هوشی و نارسائی‌های ذهنی  
 است که معمولاً " امکان درمان و اصلاح در باره  
 اینان فوق‌العاده محدود است . امید این است  
 که با پیشرفتهای علمی راه‌ها و شیوه‌های جدیدی  
 در طریق اصلاح و درمان شان کشف شود . و دیگر  
 عقب ماندگی ناشی از تنبلی و تن‌پروری و یا  
 نابسامانی محیط که بارف آن علل و عوارض این  
 هم اصلاح خواهد شد .

دسته اول کسانی هستند که درجه هوش شان  
 از حد متعارف پائین‌تر است . کودکانی داریم که  
 درجه هوشی آنها قریباً ۳۰ یا ۴۰ است و دچار  
 بلاهت و کندذهنی یا کودنی هستند . تاکنون راه  
 و شیوه‌ای یافت نشده است که بتوانند آنان را در

میشوند که همه اطفال جامعه و حتی یک خانواده  
 مثل هم نباشند .

کودک بعد از تولد نیز تحت تأثیر دهها و  
 صدها عامل دیگر است که هر کدام بنحوی در او  
 اثر گذارده و مسیر زندگی او را تغییر میدهند ضمن  
 اینکه خود فرد نیز در حیات خود مؤثر و در  
 سرنوشت‌سازی خویش سهیم است . بر این اساس  
 انتظار نباید داشت که همه کودکان یک خانه  
 و یک مدرسه همانند اتومبیل‌های پیکان مثل هم  
 در کار تابع شرایط مساوی باشند . اصولاً این  
 نکته را در نظر داشته باشیم که انسانها در عین  
 شباهت باهم آنچنان باهم متفاوتند که به  
 صراحت میتوان گفت هر انسان کتاب ناگشوده‌ای  
 است ، با خواندن یک کتاب به زحمت میتوان آگاه  
 شد که در کتاب دیگر چه چیزی نوشته شده است .

#### مواضع لازم :

بر این اساس هر خانواده‌ای حق دارد درباره  
 فرزند خود ، بهمانگونه‌ای که هست نظر دهد و  
 تصمیم بگیرد . اینکه فرزند خود را با فرزند  
 دیگران مقایسه کنید و بعلت ضعف و عقب ماندگی  
 درسی مورد ملامتش قرار دهید نوعی ستمکاری  
 است .

بسیاری از کودکان در رابطه با عقب ماندگی  
 خود تصویری ندارند . شاید بتوان گفت بخشی  
 مهم از کوتاهی‌ها و نارسائی‌ها در این رابطه  
 مربوط به والدین و مربیان است . ولی چون قدرت  
 و زور در دست اولیای کودک است به او زور  
 می‌گویند ، او را مورد تحقیر و سرزنش قرار میدهند  
 حتی برخی از والدین و مربیان رامی‌شناسیم که  
 بدن کودک را رنج می‌کنند و با تنبیه و ضرب و

بررسی هستند : یکی از جنبه کودک و دیگری از دید مربی او . در جنبه کودک عقب ماندگی اگر ریشه‌دار و با دوام گردد او را فردی فلج و وامانده میسازد آنچنان که در اندک مدتی به سنین رشد رسیده و عضوی سربار جامعه خواهد شد . استعدادها و زمینه‌های سرشار حیات او را کدو تنبل مانده و امکان بهره‌برداری از آن و در نتیجه پیشرفت و سازندگی در او نخواهد بود .

در جنبه مربی نیز باید یادآور شد که سرمایه - گذاری وقتی ، حرص زدن‌ها ، خون دل خوردن‌های او اگر در باره همه افراد کلاس به گونه‌ای مساوی صرف میشد آثار و فوایدی بیشتر داشت . و چه بسیارند مربیانی که در این راه دچار گناه شده و به ضرب و شتم کودکانی می‌پردازند که حتی ممکن است بی‌گناه باشند .

ضمناً بد نیست این نکته را متذکر شویم چه در جنبه عقب ماندگی درسی ناشی از تنبلی و محیطی و چه در جنبه عقب ماندگی ناشی از جنبه‌های هوشی و ارثی ضروری است هر چه زودتر اقدام بعمل آید . زیرا در صورت ریشه‌دار شدن آن امکان اصلاح بوجهی شایسته نخواهد بود به ویژه در مورد عقب ماندگی‌های ناشی از ذهن که اصلاح آن در سنین نوجوانی و بلوغ قریب به محال خواهد بود و این امری است که تا حال علم در مورد آن راه حل قابل تعمیمی پیدا نکرده است .

#### شناخت علل

در طریق درمان و اصلاح عقب ماندگی‌های درسی و هم در جهت پیشگیری از وقوع آن ضروری است انگیزه‌ها و عواملی که موجب

حدشاگردان عادی به پیش برند . حتی آنها که درجه هوشی معادل ۸۰ دارند نمی‌توانند چون دیگران بصورت عادی به پیش روند . بدین‌سان انتظار اینکه این گونه کودکان چون دیگر همسالان خود به پیش روند میسر نیست .

دسته دوم بعلت تنبلی ، ضعف جنبه‌های عاطفی ، عدم انگیزه‌های نیرومند ، علل اقتصادی یا فرهنگی عقب مانده‌اند که درباره آنها تصمیم دیگر باید گرفت . اینان را با تحریکی ، تشویق یا تهدیدی میتوان به راه انداخت و به پای دیگر همکلاسی‌ها رساند .

البته تشخیص اینکه چه مقدار از عقب ماندگی معلول جنبه‌های ذهنی و چه مقدار دیگر معلول عوامل شخصی یا محیطی است دشوار است . زیرا گاهی بین این دو مساله اشتباهی رخ میدهد و این دو عامل درهم می‌آمیزند .

بد نیست این نکته را هم متذکر شویم که برخی از کودکان عقب مانده درسی نیستند ، بعلت عدم قدرت بیان ، اختلال در رفتار ، گم‌کردن دست و پای خود در حین پاسخ به سئوالات نمی‌توانند خود را به آنگونه که هستند نشان دهند و در نتیجه به عقب ماندگی متهم میشوند .

#### پیشگیری و درمان

عقب ماندگی‌های کودکان بهر علت و صورتی که باشند باید درمان و حتی پیش از پدید آمدن باید جلوگیری شوند . چه بسیارند اتلاف‌ها و ضایعات مادی و معنوی که در اثر عقب ماندگیها حاصل می‌شوند و چه بسیارند خسارت‌ها و عقده سازی‌ها که بر اثر آن پدید می‌آیند . این ضایعات و خسارات از دو دید قابل

بررسی مورد توجه قرارش داده‌ایم .  
 در مورد علل و عوامل عقب ماندگی درسی  
 کلا "میتوان به چهار دسته از عوامل اشاره کرد :  
 الف - عوامل مربوط به خود فرد که در کل ناشی  
 از دو دسته عوامل زیستی و روانی است .  
 بخشی از آن به دنیای مربوط به وراثت و رحم  
 ارتباط پیدا میکند و قسمتی دیگر به جنبه‌های  
 هوشی ، روانی و عاطفی .  
 ب - عوامل مربوط به اجتماع که در آنها به  
 ناچار به عوامل خانواده و مردم باید اشاره کنیم  
 و مسائلی که در این رابطه با کودک در تلاقی و  
 ارتباطند .

ج - دسته سوم از مسائل مربوط به عقب ماندگی  
 ذهنی نشأت گرفته از مسائل اقتصادی است و  
 مباحثی چون وضع اقتصادی خانواده ، وضعیت  
 مسکن ، کثرت سرگرمی و یا اشتغال طفل قابل  
 ذکرند .

د - و بالاخره آخرین دسته از مسائل و علل  
 مربوط به جنبه‌های فرهنگی است که ما در باره  
 هر یک از جوانب و ابعاد آن با رعایت اختصار  
 مباحثی را مطرح خواهیم ساخت .

پیدایش عقب ماندگی میشوند شناخته شوند تا  
 امکان موضعگیری شایسته در قبال آن میسر  
 باشد .

شناخت علت واحد در این رابطه و اصلاح و  
 رسیدگی در آن امری دشوار است . بعبارت  
 دیگر میخواهیم بگوئیم هرگز علت واحدی سبب  
 پیدایش این امر نمی‌شود . اگر هم مسئله این  
 چنین باشد عوامل دیگری هم نقش‌کمکی را در  
 این رابطه ایفا میکنند . این امر در کل سبب  
 آن میشود که ناگزیر شویم همه عوامل و علل  
 مربوط به این امر را مورد توجه و بررسی قرار  
 دهیم و این همان کاری است که ما در این

